

بیانات در دیدار مدیران وزارت نفت / ۱۳۷۰/۰۹/۱۲

بعد از انقلاب، انقلاب و معلم انقلاب - که امام بزرگوار ما بود - به ما ملت تفهیم کردند که ما میتوانیم خودمان کار کنیم؛ خودمان تلاش کنیم؛ خودمان بسازیم؛ خودمان قاعده‌ی سازندگی و تولید و مصرف را - که همان فرهنگ ماست - بنیانگذاری کنیم. ما باید این را در همین دوران سازندگی هم به کار بگیریم. ما هرگز به داشته‌های دیگران پشت نمیکنیم. هر کسی هرچه دارد؛ چه علم، چه امکانات، چه تکنولوژی و موجودی فنی او - وقتی که ناگزیر باشیم - اگر بتوانیم همه‌ی آنها را در خدمت هدفهای خودمان فرار بدهیم، لحظه‌ی دریغ نخواهیم کرد. ما همه‌ی اینها را بایستی وسیله و پلی برای جوشیدن استعداد سازندگی از درون کشور قرار بدهیم. هر جا که میتوانیم در داخل کشور تولید کنیم، بایستی این را بر استفاده‌ی از مصنوعات خارجی ترجیح بدهیم. هر چیزی که در داخل کشور تولید میشود، برای ما مبارکتر از مشابه خارجی آن است؛ حتی اندکی بهتر از آن که از دست دیگری و دروازه‌پی از دروازه‌های کشور وارد بشود.

بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا / ۱۳۸۱/۰۳/۰۱

کسانی که به عزت مردم ایران و استقلال کشور و شرف و کرامتی که این ملت برای آن ارزش قائل است، اهمیت نمیدهند، آن روز و امروز و در طول سالها، همیشه با توصیه‌های ناجوانمردانه و بزدلانه خود سعی کرده‌اند ملت ایران را ذلیل و ضعیف کنند؛ همیشه هم تکیه‌شان به این است که ما نمیتوانیم! در دل خودشان ضعف موج میزند؛ اما این را به ملت ایران نسبت میدهند. در دل خودشان فروغ ایمان نیست؛ این را به مردم مومن نسبت میدهند. این جفا که به مردم مومن است. ملت ما ثابت کرده آنجایی که پای شرف، کرامت و دفاع از ارزشهای کشور و ارزشهای والای اسلامی در میان است، از همه توان خود استفاده و دشمن را مغلوب میکند.

بیانات در دیدار مردم استان همدان / ۱۳۸۲/۰۲/۱۵

آنچه در مجمع عمومی شما مردم عزیز همدان لازم است عرض کنم، به طور مجمل این است که ما می‌توانیم توسعه‌ی نمونه و مبتنی بر فرهنگ اسلامی و ملی خود را در این کشور به وجود بیاوریم؛ این یک آرزوی خام و یک خیال واهی نیست. می‌توان ایران را به یک کشور پیشرفته تبدیل کرد؛ یعنی همین مسیری را که انقلاب تا امروز پیموده است، با سرعت بیشتر و با جهتگیری بهتر و قوی تر ادامه داد؛ اما این مشروط به شرط لازم آن است، که عبارت است از تلاش ملی و همه جانبه.

بیانات در دیدار جمعی از مهندسان / ۱۳۸۲/۱۲/۰۵

البته آقایان وزرا که آمدند گزارش دادند، گزارشهای خوبی دادند؛ لیکن این گزارشها به هیچ وجه نمایانگر واقعیت‌هایی که آن روز بوده و امروز هست، نیست؛ واقعیت‌ها خیلی فراتر از این است؛ آقایان فرصت مفصل گزارش بدهند. آن روزها کشور و نظام به مهندس ما برای ساخت و تحقیق و رشد علمی و حتی برای بهره برداری میدان نمی‌داد. من قبلاً در مصاحبه‌ی، بعد از آن که از سد دز بازدید کردم، این نکته را گفتم؛ شاید شما هم شنیده باشید. بعد از آن که شرکت‌های خارجی قسمتی از سد دز ما را ساختند، برای مدت کوتاهی بهره‌برداری از نیروگاه آن را به یک شرکت داخلی دادند. بعد می‌خواستند ظرفیت نیروگاه را دو برابر کنند. یک شرکت آمریکایی که متعهد شد بیاید ظرفیت نیروگاه را دو برابر کند، وقتی دید بهره‌بردار، ایرانی است، گفت اینها باید بیرون بروند؛ بنابراین اجازه نداد. دولت ایران بهره‌بردار ایرانی را بیرون کرد و بهره‌برداری از نیروگاه دز را به یک شرکت ایتالیایی داد؛ آن وقت آمریکایی‌ها ظاهراً حاضر شدند بیایند پنجاه درصد دیگر نیروگاه را تکمیل کنند. بنابراین به ایرانی اصلاً اجازه داده نمی‌شد؛ حتی در زمینه بهره‌برداری، برای همین هم هست که ما در زمینه‌های ساخت - چه ساختمانی، چه سازه‌های ساختمانی، عمران و مهندسی‌های گوناگون در آن زمان - واقعا یک چیز قابل ذکر و قابل عرضه‌ی بی‌ساخت ایرانی باشد، نداریم؛ درحالی که نیروهای ما همان نیروهای نسل امروز از نسل دیروز متمایز و متفاوت نیست. همین جوانهایی که امروز توانسته‌اند این سد‌ها، این نیروگاه‌ها، این بزرگراه‌ها، این خط آهن‌ها، این کارخانجات گوناگون، این طراحی ماشین‌ها و هواپیماها، این سلاح‌های نظامی و این فناوری پیچیده‌ی هسته‌ی بی‌ساخت ایرانی را تولید کنند، در نسل گذشته‌ی ما هم بودند؛ اما از این چیزها خیری نبود. این بزرگترین خدمت انقلاب به کشور است. به نظر من در زمینه‌های علمی، بزرگترین خدمت این است که این باور را به ما ایرانی‌ها بخشید که ما می‌توانیم؛ همان تعبیری که امام کردند: «ما می‌توانیم».

آن روز به ما می‌گفتند شما بروید لوله‌نگ بسازید؛ آفتابه‌های گلی بی‌ساختند؛ یعنی آفتابه‌ی حلیبی هم نه! ما حتی دسته‌ی کیل را هم از خارج وارد می‌کردیم؛ همچنین بقیه‌ی چیزهای مورد مصرف و مورد نیاز روزافزون صنعتی را، سطح زندگی پیشرفت می‌کرد و نیازهای فراوان روزبه روز پیش می‌آمد؛ همه‌ی اینها را ما باید از دیگران می‌گرفتیم و وارد می‌کردیم. برنامه‌ریزان آن وقت افتخار هم می‌کردند! سال ۴۴ یا ۴۵ در مشهد به دیدن دوستی رفته بودیم و تصادفاً یکی از نمایندگان مجلس شورای ملی آن روز هم به این جلسه آمده بود. دوره‌ی جوانی و پرشوری ما بود و از وابستگی و تسلط بیگانگان و این گونه مطالب حرف‌های زدیم؛ بی‌توجه به این که این آقا نماینده‌ی مجلس است. نماینده‌ی مجلس آن وقت - یعنی کسی که دربار لیست داده بود که ایشان باید نماینده‌ی فلان جا شود؛ آن وقت که انتخابات نبود - در جواب من یک مقدار با تفرعن و تکبر و احم و تخم حرف‌های زد؛ از جمله این که گفت شما چه می‌گویید و به چه چیزی اعتراض می‌کنید؟ امروز اروپایی‌ها و غربی‌ها مثل نوکر دارند برای ما کار می‌کنند. ما نفت داریم، پول داریم، پول می‌دهیم و آنها کارگر ما می‌مانند و مثل نوکر دارند برای ما کار می‌کنند! این، منطق یک نماینده‌ی مجلس آن روز است! دوره‌ی انحطاط که می‌گویم، یعنی این. فکر این بود که ما چرا تولید کنیم؟ چرا بسازیم؟ چرا یاد بگیریم؟ ما در خانه‌های خود مثل آقاها می‌نشینیم، برایمان می‌آورند و وسایل لازم را در اختیار ما می‌گذارند؛ ما هم پول نفت داریم، می‌دهیم و زندگی اشرافی می‌کنیم. این، منطق آن روز یک دولتمرد در سطح بالا بود. فرهنگ حاکم آن روز بر دستگاه‌های اداره‌کننده‌ی کشور، همین بود؛ لذا آن صد سال، دوره‌ی انحطاط ماست.

انقلاب این را به هم زد. یک چیز هم به کمک ما آمد؛ این را هم من لازم می‌دانم به شما عرض کنم و آن، قهر دنیاکی صنعتی و دنیاکی غربی با ما بود؛ همین تحریم‌ها و تخم‌هایی که از اول انقلاب تا الان با ما داشته‌اند. بعضی‌ها از تصور این تحریم‌ها دلشان آب می‌شود؛ من می‌خواهم بگویم نه، این به ما کمک کرد. بارها من این خاطره را ذکر کرده‌ام. اوایل جنگ، ما سیم خاردار لازم داشتیم؛ آن را از یک کشور خارجی خریدیم تا به داخل کشور بیاوریم. این محموله باید از شوروک آن روز عبور می‌کرد. چون آنها پشتیبان عراق بودند، اجازه‌ی عبور ندادند! سیم خاردار که نه بمب اتم است، نه توپ است، نه تانک است؛ اما اجازه‌ی عبور ندادند! این قدر با ما بد بودند. وقتی ما می‌خواستیم توپ بخریم، به ما نمی‌فروختند؛ تانک می‌خواستیم بخریم، به ما نمی‌فروختند؛ سیم خاردار می‌خواستیم بخریم، به ما نمی‌دادند؛ امکانات می‌خواستیم، به ما نمی‌دادند؛ اما قاچاقچی با قیمت دو برابر و سه برابر می‌فروخت و ما مجبور بودیم بالاخره این لوازم را به قدر نیاز، با قیمت بالا تأمین کنیم. نتیجه‌ی این تحریم‌ها این شد که امروز ما در زمینه‌ی ضد زره، جزو ده کشور سطح اول دنیا هستیم. امروز ما در زمینه‌ی غنی‌سازی اورانیوم جزو ده، یازده کشور دنیا هستیم که این فناوری را در این حد داریم. این فناوری، بومی هم هست. ما فرق داریم با آن کشوری که چون نظام کمونیستی داشت، شوروک آن روز به او کمک کرد. بعضی‌ها چین را به رخ ما می‌کشند. چین در ده سال اول انقلابش تمام امکانات را از شوروک آن روز گرفت؛ آن موقعی که هنوز میانه‌شان به هم نخورده بود. اما در هیچ سالی از سالها، هیچ قدرت‌داری دانش و صنعت به ما کمک نکرد. هر کار کردیم، خودمان کردیم.

قبل از انقلاب جزو حرف‌هایی که ما همیشه می‌زدیم، این بود که ما گندم را از آمریکا می‌خریم و سیلوهای ما را هم شوروک‌ها می‌سازند. بنده اوایل انقلاب به منطقه‌ی جنوب رفتم و دیدم بچه‌های جهاد سازندگی و مهندسان شما یک سیلو با ظرفیت کم ساخته‌اند. به نظر همان جا به سجد افتادم؛ چون سیلو، سازه‌ی دشواری است؛ خیلی آسان نیست. وقتی انسان به ظاهر آن نگاه می‌کند، چیز ساده‌ی بی‌نظر می‌آید؛ اما سازه‌ی پیچیده‌ی بی‌نظر است. ما این چیز

پیچیده را توانستیم درست کنیم. امروز ما یکی از سیلوسازهای معتبر بین‌المللی با ظرفیت‌های بالا هستیم؛ برای خیلی‌ها دیگر هم ساخته ایم. بنابراین قهر و ناهمدلی و کج‌تابی دنیا غرب با ما، به ضرر ما تمام نشد. بعضی‌ها این را به عنوان یک فاجعه در نظر می‌گیرند و می‌گویند تحریم اقتصادی پدر تکنولوژی ما را درمی‌آورد. بله، ممکن است جاده‌ی آسفالت را از جلوی انسان بگیرد، اما همیشه جاده‌ی آسفالت خوب نیست؛ گاهی هم جاده‌هایی که انسان به دست خودش کشیده و مسیرش را روی آن طی می‌کند، برای محکم کردن عضلات انسان خیلی مفیدتر است؛ گاهی هم راه را می‌بایر می‌کند. جاده‌ی آسفالت پی که دیگران کشیده‌اند، ما را به جاهایی می‌برد که کشنده‌های آن جاده می‌خواستند. اگر بخواهیم خودمان جاده بکشیم، گاهی جاده‌ی می‌بایر می‌کشیم و راه می‌بایر می‌زنیم. ما علت انحطاط خود را در آن افسون‌شدگی می‌دانیم. امروز ما از آن وضعیت بیرون آمده ایم. یکی از بزرگترین خدمات نظام جمهوری اسلامی - همان طور که گفتیم - در زمینه‌های علم و فناوری این است که ما را به این باور رساند که می‌توانیم. امروز این باور وجود دارد و واقعا ما می‌توانیم. ما در زمینه‌های اقتباس، قطعه‌سازی، مشابه‌سازی و در مدل‌های فناوری امروز دنیا پیشرفت‌های خیلی خوبی کرده ایم.

نکته‌ی سوم این است که اینها به هیچ وجه کافی نیست. ما هنوز با دانش جهانی خیلی فاصله داریم. البته این فاصله در دوران انحطاط، خیلی زیاد بود؛ اما امروز این فاصله به آن اندازه نیست. ما توانسته ایم پیش برویم، اما هنوز فاصله داریم. این که من گفتم تولید علم، معنایش این نیست که علم دیگران را یاد بگیریم - آن را که باید یاد بگیریم و در این شکی نیست - معنایش این است که ما خط مرز دانش را بشکنیم، باز کنیم و آفاق جدیدی را فتح کنیم؛ البته این کار دشواری است. ما باید به فناوری جهشی دست پیدا کنیم؛ ما باید بتوانیم بر فناوری‌های موجود دنیا بیفزاییم؛ ما باید بتوانیم اختراع صدرصد ایرانی را در بازارهای دنیا مطرح کنیم. البته در راهی که تا امروز آمده ایم، خیلی خوب آمدیم؛ در این شکی نیست. من تا حدود زیادی با کارها آشنا هستم. سالهاست که ما آمارهای گوناگون را از بخش‌های مختلف می‌گیریم و می‌خوانیم؛ می‌دانم خیلی پیشرفت کرده ایم؛ اما این پیشرفت‌ها برای جامعه‌ی ایرانی کافی نیست. جامعه‌ی پی که پزشکی و ستاره‌شناسی و عالم اجتماعی هزار سال قبلش قرن‌ها بعد در دنیا متلائی و درخشیده است، این پیشرفت‌ها برای او کم است. امروز هم با این که دنیا پزشکی ممکن است از تحقیقات هزار سال پیش این سینا استفاده‌ی زیادی نبرد - اگرچه عقیده‌ام این است که باز هم دانش امروز می‌تواند از آنها در زمینه‌هایی استفاده کند - اما وقتی به این تحقیقات نگاه می‌کنیم، تحسین و تجلیل می‌کند. تحقیقات محمدبن زکریای رازی و خواجه نصیر و خیام و خوارزمی و دیگران هم همین طور است. شان ما این است؛ لذا این پیشرفت‌ها برای ملت ما کم است. همین چند روز قبل، یکی از چهره‌های سیاسی ما به یکی از کشورهای اروپایی رفته بود - که من نمی‌خواهم اسم بیاورم - رئیس‌جمهور آن کشور جلوی حضار غیرایرانی و غیربومی آن کشور، که از کشورهای اروپایی بودند - نه در جلسه‌ی خصوصی که حمل بر مصاحبه و تعارف شود - گفته بود که ما مسلمانها به ایران افتخار می‌کنیم؛ هم به امروز ایران و نظام جمهوری اسلامی، هم به ایران در تاریخ اسلام. گفته بود این پیشرفت‌های اسلامی، دانش اسلامی و تمدن اسلامی را ایرانی‌ها رشد داده‌اند و به بالندگی رسانده‌اند و به یک معنا پایه‌گذاری کرده‌اند. ما این توقع را از خودمان داریم؛ ما می‌خواهیم در زمینه‌ی دانش و فناوری به جای برسیم که شان ملت ایران است. این فقط یک نگاه غرورآمیز ملی نیست، این نژادپرستی نیست؛ این حتی یک نگاه انسانی عام به همه‌ی بشریت است؛ به خاطر این که اگر ما بتوانیم در دانش، در خط مقدم قرار بگیریم، انگیزه‌های جهان‌گیری و جهان‌گشایی غرب را نداریم؛ انگیزه‌های سودجویانه‌ی از ملتها را نداریم؛ دانش ما که به سود ماست، به سود ملتها دیگر هم هست. رئیس‌جمهور ما در سفر اخیر به چند کشور آفریقایی، طرح‌ها و برنامه‌هایی را مطرح کرده بودند. ایشان به من گزارش می‌دادند و می‌گفتند ما می‌توانیم بعضی از این طرح‌ها را به آسانی انجام دهیم - حتی به شکل نوتر و مدرن‌تر از آنچه اروپایی‌ها انجام می‌دهند - اما آنها به چند برابر قیمت دارند برای کشورهای آفریقایی انجام می‌دهند. این کشورها چاره‌ی بی‌هم ندارند؛ مجبورند با یک تاجر اروپایی قرارداد ببندند و او می‌آید با قیمت چند برابر برایشان تمام می‌کند. ما اگر باشیم، این طوری عمل نمی‌کنیم؛ ما با کشورها راه می‌آییم. نه این که سود ملی را ندیده بگیریم، بلکه به این معنا که سود ناشی از زیاده‌روی و تعدی و تجاوز را برای خودمان حلال نمی‌دانیم. ما اگر دانشی داشته باشیم، آن را به دیگران می‌دهیم. الان کشوری وجود دارد - بلکه شاید کشورهایی - که ما یک روز از اینها یک وسیله‌ی مورد نیاز در کار نظامی را درخواست کردیم؛ اما این وسیله با این که ساخت کشور دیگری بود، هرچه کردیم، به ما ندادند! اجازه نداشتند بدهند. البته آن کشور با ما بد نبود، اما اجازه نداشت بدهد. این قضیه، مربوط به سالهای اوایل دهه‌ی ۶۰ بود. کشوری که آن روز محصول ساخته شده را حاضر نبود به ما بدهد، امروز فناوری ساخت آن را که خود ما به دست آورده ایم - و او نمی‌توانست به دست بیاورد - به او می‌دهیم؛ البته می‌فروشیم. ما اگر در صنعت و در دانش پیشرفت کنیم، به سود دنیا و ملتها عقب افتاده و در درجه اول به سود دنیا اسلام است. بنابراین، این که ما باید پیشرفت کنیم و مرزهای علم را بشکنیم و باز کنیم، یک نگاه نژادپرستانه‌ی خودخواهانه نیست، که ما چون ایرانی هستیم، باید این کار را بکنیم. بله، ما غرور ملی هم داریم؛ این را انکار نمی‌کنیم. ما به گذشته‌ی خودمان نگاه می‌کنیم و احساس عزت و سرافرازی می‌کنیم. ما کسانی بودیم که اسلام را با آغوش باز پذیرفتیم؛ ما کسانی بودیم که اهل بیت را زودتر از خیلی‌های دیگر شناختیم؛ ما کسانی بودیم که در راه گسترش اسلام این همه تلاش کردیم؛ ما کسانی بودیم که مظلومان اهل بیت را که در خانه‌های خود - یعنی مدینه و مکه و کوفه - امان نداشتند، در آغوش خود پذیرفتیم. شما ببینید چقدر امامزاده در ایران هستند! این امامزاده‌ها کی هستند؟ اینها که ایرانی نبودند. اینها کسانی‌اند که به ایران آمدند و ایرانی‌ها با آغوش باز اینها را پذیرفتند؛ حتی گاهی برای اینها جنگیدند و در راه اینها تلاش کردند. از همین مازندران ما و گیلان ما - منطقه‌ی شمال رشته‌کوه البرز - یک عده پی از ایرانی‌های ما بلند شدند و به یمن رفتند و حکومت شیعه‌ی زیدی را در آن جا برپا کردند. یمنی‌ها شیعه‌ی زیدی هستند و حکومت زیدی داشتند؛ این به وسیله‌ی سربازان ایرانی و مجاهدان و مدافعان اسلام و تشیع صورت گرفت. توقع ما برای آینده، ناشی از اعتزاز ملی خودمان است؛ این را انکار نمی‌کنیم؛ اما فقط این نیست - همان طور که گفتیم - نگاه انسانی و اسلامی است.

بیانات در دیدار جمعی از مخترعان جوان / ۱۳۸۴/۰۱/۳۰

من این مطلب را داخل پراونتر بگویم؛ هفته‌ی گذشته به یک مشت جوان که این جا آمده بودند، گفتم آن روزی را باید دنبال کنیم که اگر در دنیا دانشمندی خواست یک نظریه‌ی علمی را بفهمد، بنسازد، حل کند و با یک اختراع آشنا شود، مجبور شود زبان فارسی را یاد بگیرد.

روح جویندگی، روح امید، روح اتکاب و نفس و این که «ما می‌توانیم» را در بین نسل خودتان تقویت کنید.

یک بخش دیگر - که آن هم بسیار مهم است - مربوط به شما نسل جوان است. روح جویندگی، روح امید، روح اتکاب و نفس و این که «ما می‌توانیم» را در بین نسل خودتان تقویت کنید. در بین عرب‌ها گفته می‌شود «ادل دلیل علی امکان شی وقوعه»؛ محکم‌ترین و قاطع‌ترین دلیل برای این که چیزی ممکن است، این است که اتفاق بیفتد. بالاترین دلیل برای این که نسل جوان ایرانی می‌تواند در عرصه‌ی فناوری و علم نوآوری کند و مرزهای علم را بشکند و جلو برود - موضوعی که بنده مکرر از چند سال پیش دارم می‌گویم - این است که دارد اتفاق می‌افتد.

البته نمی‌خواهیم درباره‌ی آنچه اتفاق افتاده، مبالغه کنیم و بیش از آنچه هست، بفهمیم و معرفی کنیم؛ اما این پیشرفت‌ها وجود دارد و الان دارد اتفاق می‌افتد. همین کاری که در جشنواره‌های خوارزمی می‌شود، همین کاری که در دانشگاه‌های ما می‌شود، همین کاری که در المپیادها می‌شود، خودش قوی‌ترین دلیل است برای این که این کار ممکن است. این اعتقاد به امکان را در ذهن‌های خود راسخ کنید. در صحنه‌ی عملی کشور هم از این نمونه‌ها فراوان است.

البته اغلب مردم از این توفیقات خبر ندارند. من اصرار دارم بر این که این پیشرفت‌ها به گوش مردم برسد. به دولتی‌ها می‌گویم کارهایی که دارد انجام می‌گیرد، به مردم بگویید. روزی بوده یک صدم آنچه را که امروز داریم انجام می‌دهیم، قادر نبودیم بسازیم. آن روز خیلی دیر نیست؛ همین بیست و پنج سال پیش است. ما تا قبل از انقلاب امید نداشتیم بتوانیم نیروگاه بسازیم؛ بتوانیم سد بسازیم؛ بتوانیم فناوری‌های پیچیده را حتی بفهمیم، چه برسد به این که بسازیم؛ اما امروز همه‌ی اینها وجود دارد.

امروز ما در بخش‌های بسیار مهمی پیشرفت‌های بسیار برجسته‌ی پی کرده ایم. اینها حرکت انقلاب و روح انقلاب است؛ خودباوری پی است که انقلاب داده؛ فضای بازی است برای استعدادها که انقلاب به ما ارزانی داشته و این امکان را به ما داده که بتوانیم باز فکر کنیم و امیدوار باشیم. این را در خودتان، در نسل خودتان و در مجموعه‌های خودتان تقویت کنید.

ایرانی می‌تواند مرز دانش را - که امروز خیلی پیشرفته و افق بسیار بلندی است - بشکند و پیش برود و مرز جدیدی درست کند؛ منتها ما توقع نداریم این کار را در طول مثلا پنج سال و ده سال انجام دهیم.

این که منفی بافی کنیم و بگوییم «نمی‌شود، آقا نمی‌گذارند، آقا فایده‌پی ندارند»، سم مهلک این حرکت است. یک روز آمدند این سم را ساختند و در آب فرهنگی این ملت تزریق کردند. یک روز آمدند صریحا گفتند «ما نمی‌توانیم». زمان جوانی من، این حرف جزو حرفهای رایج بود که ایرانی حتی نمی‌تواند لولهنک بسازد! شاید شماها ندانید لولهنک چیست. لولهنک یعنی آفتابه؛ آن هم آفتابه‌ی گلی. این، نگاه سیاستمداران و سررشته‌داران امور دانشگاهی آن روز بود. خیلی از سیاستمداران آن روز عناصر دانشگاهی بودند؛ اسماهایشان هم مشخص است؛ آنها می‌گفتند ایرانی نمی‌تواند! نخیر، ایرانی می‌تواند. ایرانی می‌تواند مرز دانش را - که امروز خیلی پیشرفته و افق بسیار بلندی است - بشکند و پیش برود و مرز جدیدی درست کند؛ منتها ما توقع نداریم این کار را در طول مثلا پنج سال و ده سال انجام دهیم.

من در همین اتاق به جمعی از جوانهای مثل شما گفتم از حالا همت کنید تا پنجاه سال دیگر این کشور بتواند نوترین فناوری‌ها و نظریه‌های علمی را در همه‌ی بخشها به جامعه‌ی بشری عرضه کند. شما با این نیت حرکت کنید. اگر پنجاه سال دیگر بخواهید به آن جا برسید، کارهایی که الان شما دارید می‌کنید، کارهای زیادی نیست؛ قدمهایی است که حتما باید برداشته شود و تسریع گردد.

به خودتان متکی باشید و بخواهید کار را انجام دهید. تجربه‌ی شماها هم تجربه‌ی خوبی است؛ خودتان همت کردید و وارد میدان‌های کاری شدید؛ و البته دستگاه‌هایی هم الحمدلله کمک کردند. من اصرار دارم بر این که جوانهای ما اگر توانستند دستاوردی داشته باشند، به آن قانع نشوند و نباید خیالشان راحت باشد که به جایی رسیده‌اند؛ نه، این آغاز راه است؛ این مرز دهنده به شماست که می‌توانید.

شمایی که این جا نشسته‌اید، می‌توانید یک روز پر سر و صداترین و مهم‌ترین اختراعات دنیا را به بشریت ارائه کنید و ملت خود را جلو ببرید. یک ملت فقط با های و هوای و سر و صدا نمی‌تواند کارش را پیش ببرد. البته سر و صدا و های و هوای هم لازم است، اما باید مغز و عمق داشته باشد؛ مغز و عمقش هم دو چیز بیشتر نیست؛ یکی ایمان، یکی علم؛ این دو را باید داشته باشد. علم بی‌ایمان کار را پیش نمی‌برد - یعنی مشکلات فراوان جنبی درست می‌کند - ایمان بی‌علم هم همین طور.

امروز خوشبختانه فضای کشور، فضای امنی است؛ روزگاری گذشت که این طور نبود. شما اگر می‌خواستید در کارگاه تان چراغ روشن کنید، چنانچه از غروب نیم ساعت گذشته بود، می‌گفتند باید خاموش کنید تا بمب افکن‌های دشمن نیابند بمباران کنند. همین تهران و کرج و تبریز و اصفهان را می‌آمدند می‌زدند؛ یعنی دشمن بر آسمان کشور ما مسلط بود. جوانهای خود ما آن فضای تنگ اسارت را شکستند؛ هم در عرصه‌ی علم، هم در عرصه‌ی جهاد.

من بارها گفته‌ام؛ آن وقتی که کشورهای خارجی به ما سیم خاردار و آر.پی.جی نمی‌دادند، جوانهایی مثل شما توانستند یکی از پیشرفته‌ترین موشکها را - که به ما نمی‌فروختند - در این کشور تولید کنند، که مورد استفاده هم قرار گرفت. جوانهای ما در سپاه و ارتش و بخشهای دیگر - بخصوص در سپاه - کارهای بسیار بزرگی انجام داده‌اند و در صحنه‌های جهاد حاضر شده‌اند و الحمدلله توانسته‌اند امنیت را به این کشور برگردانند. بنابراین محیط، محیط امنی است؛ شما می‌توانید در این محیط، کار فکری علمی بکنید.

به خدا توکل کنید، از خدا کمک بخواهید، ایمان دینی را در دلهای خودتان راسخ کنید - که این موفقیت‌ها خیلی مهم است؛ هم در موفقیت شخص خودتان، هم در موفقیت ملی - و نگذارید عوامل بی‌ایمانی مثل خوره به جان ایمان بیفتند و آن را از بین ببرند.

در راه تحصیل علم و افزودن بر بار علمی و توانایی‌های علمی خودتان هیچ کوتاهی نکنید. به کاری که کردید، هیچ قناعت نکنید و آن را قدم اول بدانید. شما مثل کوهنوردی هستید که باید بروید و به قله برسید. شما الان دارید در پیچ و خم‌های اول راه حرکت می‌کنید، که گاهی عرق آدم هم درمی‌آید. به موفقیت‌های ابتدایی راه قانع نشوید؛ نگاه کنید ببینید قله کجاست. باید زحمت بکشید و دشواری‌ها را تحمل کنید تا بتوانید به قله برسید.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان / ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

جوان‌های ما دارند می‌جوشند، صنعت ما، معدن ما و کشاورزی ما می‌تواند به همین استعدادهای داخلی متکی باشد. استعداد طبیعی هم که الهی ماشاالله داریم؛ حیرت یک نمونه‌ی آن است. همه‌ی کرمان از لحاظ منابع زیرزمینی یک مرکز فوق‌العاده و استثنایی در کشور ما و در بعضی از جهات در خاورمیانه است. چرا ما راه دیگران را برویم؟ چرا از خودمان غافل شویم؟ ما می‌توانیم؛ ما پیشرفت کرده‌ایم؛ یک نمونه‌اش جامعه‌ی دانشگاهی ماست. قبل از انقلاب، مرد خیری به نام مرحوم افضل‌ی پور - که من از ایشان تجلیل می‌کنم؛ شنیده‌ام همسر ایشان حیات دارند، که از همین جا به همسر ایشان که به مرحوم افضل‌ی پور کمک کرده‌اند، سلام می‌کنم - با پول خودش و به قدر توانش، مرکز تحصیلات دانشگاهی کوچکی درست کرد. یک روز در این استان کمتر از سه هزار دانشجوی تحصیل می‌کردند؛ اما امروز کرمان نزدیک به هفتاد هزار نفر دانشجو دارد. جمعیت کشور دو برابر شده؛ خیلی خوب، سه هزار نفر یا شش هزار نفر دانشجو باید داشته باشد؛ اما امروز ما در این استان هفتاد هزار نفر دانشجو داریم. این، توسعه و پیشرفت است.

بیانات در دیدار نخبگان جوان / ۱۳۸۵/۰۶/۲۵

انقلاب، همه‌ی وجدانهای این مردم را تکان داد، ماها را بیدار کرد، متوجه هویت خودمان کرد، توانیهای خودمان را به ما نشان داد و «ما میتوانیم» را شعار ما قرار داد. ما هم وارد شدیم و تجربه کردیم؛ دیدیم بله، میتوانیم. لذا امروز استقلال فرهنگی در این کشور، روزبه‌روز در حال پیشرفت است و خودباوری فرهنگی بیشتر میشود. اصرار ما هم همین است که این کار بشود و شما جوانها به این توجه کنید و هر حرکتی را که مشاهده می‌کنید با این روحیه‌ی استغنائی فرهنگی و استقلال فرهنگی معارضه دارد، با چشم بدبینی به آن نگاه کنید و بدانید که هدایت شده است.

بیانات در دیدار اساتید و اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها / ۱۳۸۵/۰۷/۱۲

نکته‌ی سوم این است که - این شاید دنباله‌ی آن مطلب قبلی باشد - بنده از چند سال قبل از این، مسئله‌ی تولید علم و نهضت علم و خطشکنی علمی را مطرح و درخواست کردم. امروز خوشبختانه این به یک خواست عمومی در محیطهای دانشجویی و علمی تبدیل شده است. می‌بینیم بارها از زبان دانشجویها و اساتید تکرار میشود. ما هم با پیشرفت‌هایی که در زمینه‌های مختلف علمی و فناوری داشته‌ایم - که خوب، خیلی‌ها پیش هم آشکار است و در تبلیغات آمده؛ مثل مسائل مربوط به انرژی هسته‌ای و غیره؛ خیلی‌ها پیش هم نیامده؛ یعنی واقعا کارهای نیمه‌کاره‌ای است که در جهت کاملتر شدن و کامل شدن هست، و ما در کشور زیاد داریم - به این چیزها افتخار میکنیم. و همین‌طوری که گفتم، نگاهمان نگاه امیدوارانه است و به عنوان اینکه «ما میتوانیم».

اما یک نکته را باید بگوییم؛ خطشکنی علمی و عبور از مرزهای علم همچنان در کشور ما، جدی نشده است. ما میخواهیم علما و دانشمندان ما، راههای میانبر را پیدا کنند؛ راههای کشف نشده را از این بینهایت مسیرهایی که در عالم طبیعت وجود دارد و بشر باید یکی پس از دیگری کشف بکند. ما میخواهیم راههای کشف نشده را کشف بکنیم. اینی که میتوانیم فلان ابزار فناوری را، فرض کنید سانتریفیوژ را برای کار هسته‌ای، که دیگران قبل از ما، سالها پیش، پیدا کردند و تولید کردند و استفاده و بهره‌برداری کردند، خودمان بسازیم، البته کار بزرگی است که بدون کمک دیگران توانسته‌ایم انجام بدهیم و نسلهای جدید آن را تولید کنیم، در این شکی نیست؛ اما این یک کار بکر نیست؛ این کار انجام شده و راه رفته‌ای است که دیگران رفته‌اند و ما هم که بنا بوده تا پنجاه سال دیگر، تا صد سال دیگر محروم بمانیم - بنا نبود این فناوری و این دانش به کشوری مثل کشور ما و ملت ما داده بشود - جوانها، دانشمندان و پژوهشگران ما توانسته‌اند با پیگیری و تلاش خودشان به دست آورند و این چیز باارزشی است؛ اما من میگویم در زمینه‌ی علم و فناوری، آن کاری را که ذهن بشر به آن دست نیافته است، آن را وجهی همت قرار بدهید و دنبال بکنید؛ این طوری است که ما خط مقدم علم را شکسته‌ایم و یک قدم به جلو برداشته‌ایم. آن وقت میتوانیم این را ادعا بکنیم؛ و این ممکن است. البته

برداشتن قدمهای جدید، مستلزم پیمودن راههای رفته‌شده و طی‌شده به وسیله دیگران است؛ در این شکی نیست. اما هیچ‌وقت نباید ذهن را از کاوش و جستجو برای یافتن راههای میانبر محروم و ممنوع کرد. ما این را در کشور لازم داریم.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۶/۰۶/۲۱

ایجاد یک گفتمان نو در سطح بین‌الملل اسلامی. همین گفتمان هویت اسلامی و سلطه‌ناپذیری و استقلال را این نظام ایجاد کرد؛ گسترش داد. و ارتباطات و همسایه‌ها و غیره و غیره؛ حرف زیاد است.

ما باید این کارآئی را افزایش بدهیم، با علم، با عقل، با عزم؛ سه تا «عین». عالمانه باید باشد؛ عاقلانه باید باشد؛ عازمانه باید باشد. باید با عزم همراه باشد؛ با سست‌عنصری و سست‌عهدی نمیشود پیش رفت. علم و عقل را به کار بگیرند و عزم ملی را مثل موتوری پشت سر اینها قرار بدهند. ما میتوانیم این کارآئی را افزایش بدهیم.

البته کشور ایران و ملت ایران و دولت جمهوری اسلامی مظلوم است. ما مظلوم واقع شدیم. مظلومیم، اما ضعیف نیستیم. مثل امیرالمومنین (علیه الصلاه و السلام)؛ مظلوم بود، اما از همه مردان زمان خود قویتر بود. مثل همه‌ی اهل حق؛ مظلوم بودند، موردانکار واقع شدند، ظلم شدند، اما ضعیف نبودند. ما ضعیف نیستیم، مظلومیم. این مظلومیت را هم نمیگذاریم تا آخر طول بکشد؛ تحمل نمیکنیم. تحمل نکردنش هم به همین است؛ بایستی عقلمان را و علممان را و عزممان را تقویت کنیم که اینها با ذکر الهی که قبلاً صحبت کردم، همه حاصل خواهد شد. البته تهدید میکنند. تهدید اهمیتی ندارد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام در روز عید سعید فطر / ۱۳۸۶/۰۷/۲۱

اسلام ظرفیتش خیلی زیاد است. قله‌هایی که اسلام جلو ما قرار میدهد، خیلی برتر از اینهاست. باید این قله‌ها را طی کنیم؛ باید به این قله‌ها برسیم. اسلام توانست یک ملت را که از تمدن بوئی نبرده بودند و با علوم و دانشهای بشری هیچ رابطه‌ای نداشتند، اینها را در راس قله‌ی دانش جهانی قرار دهد که همه‌ی دنیای بشری از دانش اینها، از معرفت اینها، از نوشته‌های اینها، از تفکرات و اندیشه‌های اینها بهره‌مند شوند. این هنر اسلام است. ما مسلمانها بودیم که خودمان را از این قله پرتاب کردیم پائین؛ ما بودیم که اشتباه کردیم، تن دادیم به ضعفها و ذلتها، که امروز دنیای اسلام عقب مانده است. ما میتوانیم دوباره این راه را پیش بگیریم و پیش برویم. «ذلک بان الله لم یک مغیرا نعمه انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم». همان اندازه که ما در خودمان تغییر ایجاد کردیم، پیش رفتیم؛ خدای متعال ما را جلو برد. باز هم بایستی این حرکت ادامه پیدا کند. این مربوط به مسائل داخل کشور ماست. امتحانها هم زیاد است.

بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد / ۱۳۸۶/۱۰/۱۲

من در یکی دو تا دیدار دانشجویی سفرهای سال گذشته در مشهد و سمنان، راجع به مسئله‌ی الگوی توسعه صحبت کردم؛ الگوی توسعه‌ی ایرانی، الگوی توسعه‌ی بومی، که ما برای توسعه‌ی کشور به سراغ نظریات دانشمندان اروپائی نرویم. نمیگویم از علم آنها استفاده نکنیم؛ اما نسخه‌ی آنها مال خودشان. علم آنها را یاد بگیریم؛ اما نسخه‌ی بیماری خودمان را خودمان بنویسیم، تا مورد اعتماد خودمان باشد، تا بتوانیم به آن تکیه کنیم، اطمینان کنیم. حالا اگر اعتماد به نفس نباشد، میگوئیم آقا مگر ما میتوانیم؟ این همه دیگران تجربه کردند، ما حالا چه بالاتر از آنها می‌خواهیم بیاوریم؟ این، نبود اعتماد به نفس است؛ که الان هم متاسفانه بعضیها میگویند! بعضی از تحصیلکرده‌های ما همین را میگویند. ما گفتیم الگوی توسعه‌ی بومی تهیه کنیم، میگویند آقا کدام الگوی توسعه‌ی بومی؛ مگر میشود؟! ببینید، این همان رسوبات باقیمانده‌ی از گذشته است؛ نبود اعتماد به نفس است. اگر یک ملت می‌خواهد پیشرفت کند، نمیشود منتظر دیگران باشد. غریبها، اروپائیا یکی از شیرین‌کارترین کارهایشان که به نفع خودشان تمام شد، این بود که آمدند نخبگان کشورهای دیگر را در مشت گرفتند، افکار خودشان را به اینها تلقین کردند؛ بعد اینها را رها کردند نوی کشورهای خودشان، گفتند بروید. کشورهای غربی - یعنی انگلیس، فرانسه و بقیه کشورهای - به جای اینکه پول خرج کنند تا افکار سیاسی خودشان را در آن کشورها پیاده کنند، تربیت‌شده‌های آنها رفتند بدون مزد و منت، کارهای آنها را برایشان انجام دادند. جزو بلاهای کشورهای عقب‌مانده و توسعه نیافته، یکی این بود. هنوز هم دنباله‌هایشان هستند و دارند کار خودشان را میکنند. این باید شکسته شود. اهمیت اعتماد به نفس این است که اگر ما اعتماد به نفس ملی پیدا کردیم، این استعدادها خواهد جوشید؛ آن وقت خواهیم دید که میتوانیم؛ برای ما اثبات خواهد شد که میتوانیم. سه مانع اصلی در راه فرایند اعتماد به نفس و به ثمر رسیدنش وجود دارد که ما باید متوجه این سه رخنه باشیم. این سه رخنه میتوانند فرایند اعتماد به نفس ملی و منتهی شدن آن به پیروزیهای پیدری و رسیدن به آرمانها را مخدوش کنند.

اول، ایجاد یاس است؛ تیره کردن افق، به رخ کشیدن فاصله‌های علمی. این واقعیتی است؛ ما از لحاظ علمی، امروز با دنیای پیشرفته‌ی علمی که دو بیست سال است دارد کار علمی میکند، فاصله داریم. این فاصله‌ها را به رخ میکشند و میگویند آقا چطور میخواهید شما اینها را طی کنید؟ مگر میشود؟ جوان محقق و پژوهشگر و دانشمند ما را با این کار مایوس میکنند. من میگویم: بله، میشود؛ چرا نمیشود؟ ما از دانش دیگران استفاده میکنیم و پا را یک قدم بالاتر میگذاریم؛ کما اینکه این کار را کرده‌ایم. ما از دانش دیگران استفاده کرده‌ایم. گاهی چیزهایی ساخته‌ایم که در دنیا نیست؛ مثل بعضی از پیشرفتهای پزشکی و دارویی و امثال اینها. اینها با استفاده از مقدمات دانش غربی به دست آمده، اما کارهای بزرگتری از آنها انجام گرفته. فاصله نباید ما را مایوس کند. ما میتوانیم شتاب علمیمان را زیاد کنیم؛ این فاصله را روزه‌روز کمتر کنیم؛ همت کنیم پیش برویم. بخصوص که امروز دنیای غرب دچار آفتهای جدی است که در پنجاه سال پیش و صد سال پیش این آفتها را نداشت. امروز آفتهای اخلاقی، آفتهای جنسی، تزلزل روحیه‌ها در غرب خیلی شدیدتر از آن روزهاست؛ امروز اینها در آنجا یک گرفتاری است. البته این مسائل بلندمدت، خودش را آسان نشان نمیدهد؛ اما از حرفهای آنها، از حرفهای اندیشمندان، متفکرینشان آدم میفهمد که نگرانند. نسل جوانان رو به انحطاط است، جرم و جنایت رو به توسعه است، فروپاشی خانواده‌ها رو به تازید است و همین طور دارد زیاد میشود؛ مهار هم از دستشان خارج شده است و گرفتارند. چه اشکال دارد؛ یک ملتی که مصمم است، خودش را تا حدودی میتوان از این بلایا حفظ کند، تصمیم دارد، توکل به خدا دارد، اعتماد به نفس دارد، آرمانهای مشخص هم دارد، این راه را طی کند؟ کما اینکه آنها طی کردند. ما یک روزی جلوتر از غرب بودیم؛ ما دچار آفت شدیم، آنها تلاش کردند، جلو افتادند. ما حالا میتوانیم جلو بیفتیم. طی کردن فاصله‌ها مطلقاً مستبعد نیست از یک ملتی که جوانش با همت حرکت میکند و پیش میرود؛ مسئولان و مدیرانش هم با همت مینشینند برنامه‌ریزی و طراحی میکنند. بنابراین سه تا مانع ممکن است دشمن طراحی کند: یکی پراکندن یاس، یکی منحرف کردن استعدادها، یکی هم برخورد سخت و خشن؛ یعنی تحمیل تهاجم نظامی و از قبیل اینها.

در مورد این مسئله‌ی اول که پراکندن نومییدی و یاس است، من اصرار دارم شما جوانها بیشتر فکر کنید، تأمل کنید و نشانه‌هایش را ببینید. همین الان دارند این کار را میکنند؛ یک عده‌ای هم برای آنها و از زبان آنها و از حنجره‌ی آنها به نفع آنها حرف میزنند.

بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد / ۱۳۸۶/۱۰/۱۲

اول انقلاب جهاد سازندگی میخواست سیلو بسازد. میدانید سیلوهای ما را در دوران طاغوت، شورویها میساختند. رژیم طاغوت گندم را از آمریکا میگرفت، سیلویش را شوروی میساخت! سیلو ظاهرش ساده است، اما نسبتاً فناوری پیچیده‌ای است. جهاد سازندگی گفت میخواهیم سیلو بسازیم؛ از اطراف صدا بلند شد که آقا نمیتوانید؛ بیخود خودتان را معطل نکنید، سرمایه‌ی کشور را هم به باد ندهید. یک نمونه‌ی سیلوی کوچکی در خوزستان ساختند که بنده آن وقت رفتم بازدید کردم. امروز کشور جمهوری اسلامی شما یکی از سیلوسازهای درجه‌ی یک دنیاست؛ جز کشورهای سیلوساز برجسته‌ی درجه‌ی یک است.

یکی از سدهای نزدیک تهران آب میداد. گفتند برون این را درست کنند؛ گفتند خود کمپانی سازنده‌ی این سد باید؛ رفتند آوردند. این هم مربوط به اوائل ریاست جمهوری ماست. میگفتند: مگر ما میتوانیم سد درست کنیم؟ همین تلقینات گذشته بود. جوانهای ما همت کردند، رفتند سراغ سدسازی. امروز کشور جمهوری

اسلامی به فضل الهی بهترین سدساز این منطقه است. در منطقه‌ای ما هیچ کشوری مثل جمهوری اسلامی مسلط بر ساختن سدهای بزرگ - چه سد بتونی، چه سد حاکی - نیست. سدهائی که ما ساختیم، از مشابه‌های خودش که زمان طاغوت به وسیله‌ی شرکت‌های خارجی ساخته شده، بهتر و با ظرفیت بیشتر و البته با هزینه بسیار کمتر است؛ کار خودمان هم هست. چرا نمیتوانیم؟ نخیر، نیروگاه هسته‌ای هم میتوانیم بسازیم؛ باید بسازیم. امروز شروع بکنیم، چند سال دیگر جواب خواهد داد. چند سال دیگر شروع بکنیم، چند سال بعدش جواب خواهد داد. اگر شروع نکنیم، عقب میمانیم. امروز اگر غنیسازی را شروع نمیکردیم، بایستی ده سال بعد، بیست سال بعد بالاخره شروع میکردیم. میگویند آقا روس‌ها که به شما اورانیوم غنی‌سازیشده میدهند، سوخت نیروگاه هسته‌ای میدهند؛ خودتان میخواهید چه کار کنید؟ این از آن حرفهائی است که این آقای رئیس جمهور محترم کمدان آمریکا هم اخیرا بیان فرمودند، که خب روس‌ها که دارند میدهند، ایران میخواهد چه کار کند! اینجا هم یک عده‌ای که نه به قدر او محترمند، نه به قدر او کمداند، همان حرف را تکرار کردند که آقا روس‌ها که دارند میفرشند. دیدید دیگر؛ محموله‌ی اول آمد، محموله‌ی دوم آمد؛ دیگر شما میخواهید چه کار کنید که خودتان غنیسازی کنید؟ این مثل این میماند که به کشوری که ذخائر نفتی زیر زمینش پر است، بگویند آقا چرا چاه میزنی؛ خب برو نفت را بخر از بیرون بیاور! یعنی کشوری که دارای ذخائر نفتی است، بشود واردکننده‌ی نفت! چقدر خنده‌آور است. اگر یک روزی دلشان نخواست این سوخت را بدهند، یا گفتند به این قیمت میدهیم، یا گفتند به این شرط میدهیم، ملت ایران ناچار است قبول کند.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز / ۱۳۸۷/۰۲/۱۲

یکی دیگر از ضعف‌های درونی عبارت است از تربیتهای اجتماعی موجود و عادت‌های تاریخی، که اینها در ما ملت ایران در آغاز انقلاب بود. شما جوانها شاید از حالات روانی و تربیتهای تاریخی ما در هنگامی که انقلاب پیروز شد، تصویر درستی نداشته باشید. امروز ما می‌بینیم که عنوان «ما میتوانیم» در همه هست. واقعا هم اگر بگویند آقا شما میتوانید بزنی روی دست صنعتگران پیشرو دقیق‌ترین و ظرفیت‌ترین صنایع دنیا، شما میگویند بله؛ اگر همت کنیم، تلاش کنیم، میتوانیم. واقعا جوان دانشمند مسلمان در جمهوری اسلامی خودش را قادر بر هر کاری میداند؛ این در اول انقلاب اینجور نبود. تربیتهای قبلی درست عکس این بود. هر کاری که مطرح میشد، میگفتند آقا ما که نمیتوانیم! آقا فلان چیز را بسازید، میگفتند ما که نمیتوانیم! با فلان شعار غلط در دنیا مقابله کنیم، میگفتند آقا ما که زورمان نمیرسد، ما که نمیتوانیم! «ما میتوانیم» امروز، آن روز «ما نمیتوانیم» بود. این، آن تربیت اخلاقی و تاریخی بازمانده‌ی از دوران گذشته است.

بیانات در مراسم بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۸/۰۲/۱۲

روشنفکران غرب‌زده که خیلی از آنها در دستگاه‌های حکومت ظالم حضور داشتند، با حرف خودشان و با عمل خودشان به مردم اینجور تفهیم کرده بودند که شما عرضه ندارید؛ عرضه‌ی هیچ کاری را ندارید؛ باید تقلید کنید. در علم تقلید کنید، در صنعت تقلید کنید، در فرهنگ تقلید کنید، در لباس تقلید کنید، در خوراک تقلید کنید، در حرف زدن تقلید کنید. حتی کار را به جانی رسانند که یک وقتی گفتند: باید خط فارسی را تغییر بدهیم! ببینید چقدر یک ملت باید از استقلال و عزت نفس دور شده باشد که جرات کنند کسانی بگویند خط را تغییر باید بدهید. خط فارسی که هزار سال میراث علمی ما با آن نوشته شده است، این را عوض کنیم، تغییر بدهیم، خط اروپائی‌ها را بیاوریم و از آنها تقلید بکنیم؛ کار را به این جا رسانده بودند. امام آمد این روح حقارت را گرفت و در طول پانزده سال نهضت امام تا پیروزی انقلاب و از روز پیروزی انقلاب به نحو دیگری تا ده سال عمر بابرکت آن بزرگوار، دائم روح خودباوری را در این ملت دمید؛ شما میتوانید، ما میتوانیم، شما قادرید، شما بزرگید، شما قدرتمندید. این خودباوری و اعتماد به نفس ملی یکی از دو رکن اساسی پیشرفت هر کشور است. یک رکن، امکانات مادی است، اما امکانات مادی کافی نیست. یک ملت ممکن است امکانات مادی زیادی هم داشته باشد، اما به رشد و ترقی و تعالی نرسد؛ نتواند یک ملت عزیز و قدرتمند بشود. خوب، ما در دوران قبل از انقلاب همین نفت را داشتیم، همین گاز را داشتیم، همین معادن عظیم فلزات ذکیمت را داشتیم، همین استعدادهای درخشان و نیروی انسانی بااستعداد را داشتیم؛ اما در عین حال یک ملت دست سوم، گمنام در دنیا، توسری‌خور قدرتهای بزرگ، زیر بوغ یک حکومتی که فاسد بود، دست‌نشانده بود، متصل به دشمنان ملت بود، زندگی میکردیم. پس امکانات مادی کافی نیست، مولفه‌های دیگری لازم است؛ مولفه‌های معنوی. یکی از مهمترین این مولفه‌ها، همین خودباوری است، اعتماد به نفس است و اینکه یک ملت باور کند که میتواند. امام ملت ما را به این باور رساند که میتواند بایستاد؛ میتواند مقاومت کند؛ میتواند کشور خود را آزاد کند؛ میتواند نظامی را که خود به وجود آورده است، با کمال قدرت این نظام را حفظ کند؛ میتواند در دنیا، در سیاست‌های بین‌الملل اثر بگذارد، که همین جور هم شد. این همان عزت ملی است که من بیست روز قبل از این در سنجند در بین برادران کردمان این مسئله را مطرح کردم. عزت ملی خیلی برای یک کشور مهم است. این عزت ملی فقط حرف هم نیست. این ترجمه‌ی عملی در همه‌ی عرصه‌های زندگی ما دارد.

بیانات در دیدار کارگران نمونه سراسر کشور / ۱۳۸۹/۰۲/۰۸

ملتی که هیچ کس به او کمک نمیکند، درهای محصولات صنعتی و پیشرفتهای فناوری را به روی او میندند، بعد نسل دوم و سوم و چهارم سانتریفیوز را خودش تولید میکند! همه‌ی دارندگان قوای هسته‌ای و صنعت هسته‌ای در دنیا میبوهت میمانند. خوب، اینها از کی یاد گرفتند؟ ملتی که از لحاظ علوم زیستی هیچ کس به او کمک نکرده، ناگهان نگاه میکنند می‌بینند از سلولهای بنیادی، حیوان تولیدی به وجود می‌آورد. در دنیا چند تا کشور این را دارند؟ هفت تا، هشت تا، نه تا کشور. در بین این همه کشورها، این همه مدعیان، ناگهان از ردیف دویستم - مثلا فرض کنید - می‌آید به ردیف هشتم قرار میگیرد. این حاکی از چیست؟ حاکی از استعداد فوق‌العاده نیست؟ در اول جنگ، ما نمیدانستیم آر.پی.جی چیست - آر.پی.جی یک موشک کوچک است؛ آنهایی که توی جنگ بودند، آن را دیدند و بارها تجربه کردند - نه داشتیم، نه بلد بودیم، نه جزو سلاح‌های سازمانی ما بود؛ حالا بعد از گذشت چند سال، با تحریم، کشور ما موشک سجیل میسازد، موشک ماهواره‌بر میسازد؛ دنیا هم همین طور وا می‌ایستد، با تعجب نگاه میکند. اول هم انکار کردند؛ گفتند بیخود میگویند، دروغ میگویند، نمیتوانند؛ بعد دیدند نخیر، هست. در همه‌ی بخش‌ها همین جور است. خوب، اینها معنایش چیست؟ معنایش این است که این جوان خیلی بااستعداد است؛ این ملت خیلی پرظرفیت است؛ این نیروی انسانی خیلی باارزش و نازنین است. از این باید استفاده کرد. پس ما میتوانیم. همت مضاعف معنایش این است که این ظرفیت را به فعلیت برسانیم.

بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۰/۰۲/۱۲

یک مظهر دیگر عقلانیت امام، تزریق روح اعتماد به نفس و خودتکائی در ملت بود. در طول سالهای متمادی، از آغاز تسلط و ورود غربی‌ها در این کشور - یعنی از اول قرن ۱۹ میلادی که پای غربی‌ها به ایران باز شد - دانما به وسیله‌ی عوامل و دستیاران خودشان، با تحلیلهای گوناگون، توی سر ملت ایران میزدند؛ ملت ایران را تحقیر میکردند، به ملت ایران می‌آوردند که نمیتواند، عرضه‌ی اقدام علمی و پیشرفت علمی ندارد، توانائی کار کردن و روی پای خود ایستادن را ندارد. سردمداران رژیم پهلوی و قبل از او، مکرر ملت ایران را تحقیر میکردند. اینجور وانمود میکردند که اگر پیشرفتی متصور است، اگر کار بزرگی باید بشود، باید به وسیله‌ی غربی‌ها بشود؛ ملت ایران توانائی ندارد. امام بزرگوار به یک چنین ملتی روح اعتماد به نفس را تزریق کرد، و این نقطه‌ی تحول ملت ایران شد. پیشرفتهای ما در زمینه علمی، در زمینه صنعتی، در انواع و اقسام عرصه‌های زندگی، معلول همین اعتماد به نفس است. امروز جوان ایرانی ما، صنعتگر ایرانی ما، دانشمند ایرانی ما، سیاستمدار ایرانی ما، مبلغ ایرانی ما احساس توانائی میکند. این شعار «ما میتوانیم» را امام بزرگوار در اعماق جان این ملت قرار داد. این، یکی از مظاهر مهم عقلانیت امام بزرگوار بود.

بیانات در حرم رضوی در آغاز سال ۹۱ / ۱۳۹۱/۰۱/۰۱

در این دیدار، چند مطلب را با شما برادران و خواهران در میان میگذارم. مطلب اول، نگاه کوتاهی است به آنچه که در سال گذشته بر ما و ملت ما و کشور ما و در رابطه‌ی ما در جهان و در منطقه گذشت. علت اینکه به مسائل سال ۹۰ و عمدتا به موفقیت‌های ملت ایران در این سال میپردازم، رجزخوانی‌های دشمنان و

بدخواهان ما در مقابل ملت عزیز ماست. سران استکبار، تکیه‌دهندگان بر مسندهای زر و زور و همچنین خرده‌ریزهای اینها در منطقه خود ما، با همه‌ی توان - توان مالی‌شان، توان تبلیغاتی‌شان، توان سیاسی‌شان - سعی میکنند ملت ایران را مرعوب کنند، ملت ایران را مایوس کنند. هر کسی تبلیغات سیاسی بدخواهان ملت ایران را دنبال کرده باشد، این را درمی‌یابد که تلاشهای عملی، تلاشهای اقتصادی، تلاشهای سیاسی، تهدیدهای امنیتی و نظامی، همه برای این است که این موجود فعال، زنده، پرنشاط و پرهمت توانا، یعنی ملت ایران را که در وسط میدان با شجاعت تمام ایستاده است و در حال حرکت به جلو است، از پیشروی باز بدارند، او را ناامید کنند، او را از حضور در این عرصه بترسانند. در حقیقت در مقابل شعار «ما میتوانیم» که امام بزرگوار این شعار را به ما تعلیم داد، انقلاب به ما جرات داد که بگوئیم «میتوانیم»، میخواهند به ملت ایران بقبولانند که شما نمیتوانید؛ با همه‌ی توان در پی این هستند که این هدف را دنبال کنند. سال ۹۰ اوج فعالیت‌های آنها بود. و من میخواهم بر روی این نکته تکیه کنم که علی‌رغم آنها، به کوری چشم آنها، ملت ایران در سال ۹۰ با حرکات خود، با پیشرفت خود، با تصمیم‌گیری‌های خود، به همه‌ی دنیا، از جمله به دشمنان، باز هم به طور مکرر فهماند که «ما میتوانیم».

اگر بر روی نقاط مثبت و نقاط قوت تکیه میکنیم، برای این است که ثابت شود ملت ایران این توانائی‌ها را به کار برد و علی‌رغم میل بدخواهان که میخواهند ثابت کنند ملت ایران نمیتواند، ملت ایران ثابت کرد که میتواند. از نقاط ضعف بی‌اطلاع نیستیم، نقاط ضعف هم داریم؛ اما در جمع‌بندی نهائی، نقاط قوت بسیار بیشتر از نقاط ضعف است.

بیانات در حرم رضوی در آغاز سال ۹۱ / ۱۳۹۱/۰۱/۰۱

خصوصیت سومی که من در اینجا دیدم، اعتماد به نفس بالاست. بعضی از بخشهای صنعت نفت هست که صرفاً در انحصار سه چهار تا کشور در دنیا است؛ اجازه نمیدهند کس دیگری در حریم این صنایع و فناوری‌ها وارد شود. کشور ما هم در طول این سالهای طولانی، در زمینه اینگونه کارهای پیچیده و مهم، همیشه از آنها خواسته، از آنها گرفته، به آنها پول پرداخته. من دیدم اینجا همت گماشته‌اند و میگویند ما میتوانیم، خودمان میکنیم، خودمان میسازیم. این اعتماد به نفس برای یک ملت، برای دانشمندان یک ملت، برای جوانان یک ملت، خیلی باارزش است.

بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۱/۰۳/۱۴

البته در این میان، استثنائاتی وجود داشت؛ مثلاً یک امریکبیری سه سال بر سر کار آمد. یا فتوای میرزای بزرگ شیرازی توانست قضیه‌ی تنباکو را فیصله بدهد. یا علما در قضیه‌ی مشروطیت دخالت کردند. یا نهضت ملی شدن نفت در یک دوره‌ای به راه افتاد. همه‌ی اینها کارهای کوتاه‌مدت، موقت و بعضاً بکلی ناکام بود؛ اما روال کلی، حرکت کلی، حرکت ذلت بود که بر این ملت بزرگ، بر این ملت تاریخ‌ساز، بر این ملت دارای موارث عظیم تاریخی تحمیل شده بود.

انقلاب کبیر اسلامی بکلی جهت را عوض کرد و ورق را برگرداند. همت امام - که رهبر این انقلاب و زمامدار این انقلاب و پیشوای این انقلاب بود - بر این گماشته شد که روح عزت ملی را در این مردم احیا کند؛ عزت آنها را به آنها برگرداند. امام بزرگوار فرهنگ «ما میتوانیم» را به دهان مردم انداخت و در دل آنها جایگزین کرد؛ این همان فرهنگ قرآنی است که فرمود: «لا تهنوا و لا تجزئوا و انتم الاعلون ان کنتم مومنین». خود ایمان به معنای علو است. ایمان وسیله‌ی علو مادی است، اما فقط این نیست؛ نفس ایمان علوآور است، عزت‌آور است، یک ملت را رشد میدهد. خود امام جلو افتاد، رهبری کرد، آن وقت انگیزه‌ها در مردم بیدار شد، همتها در مردم بیدار شد، استعدادها جوشیدند گرفت؛ و عمل مردم، حضور مردم در صحنه، زمینه‌ی جلب رحمت الهی شد. این، نکته‌ی بسیار عظیمی است. رحمت الهی گسترده است؛ اما تا انسان ظرف خود را آماده نکند، این باران رحمت گیر او نمی‌آید. ملت ما به صحنه آمد، خود را در وسط میدان قرار داد، این شد زمینه‌ی رحمت الهی و هدایت الهی؛ هدایت الهی شامل حال او شد، رحمت الهی شامل حال او شد، حرکت بی‌وقفه آغاز شد؛ حرکت به سمت عزت، حرکت رو به جلو، حرکت عزت‌آفرین؛ البته گاهی کند، گاهی تند، اما بدون وقفه و تعطیل.

بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی / ۱۳۹۱/۰۷/۲۰

پیشرفت ما در این زمینه‌هایی که مورد علاقه‌ی ما و مجموعه‌ی قشر فرهنگی و علمی کشور است، انصافاً پیشرفت فوق‌العاده‌ای است. یعنی هیچ نباید تردید کنیم که ما میتوانیم. این جلوی چشم همه است. ما در آغاز انقلاب، حدود صد و هفتاد هزار دانشجو داشتیم، امروز بیش از چهار میلیون دانشجو داریم. در آن زمان، پنج هزار عضو هیئت علمی داشتیم. همان اوائل، بنده خودم یادم هست که این رقم پنج هزار، هی تکرار میشد. بعضی‌ها میگذاشتند میرفتند، که قابل شمارش بود؛ میگفتند آقا یکی کم شد، ده تا کم شد! امروز اعضای هیئت علمی ما بسیار فراتر از اینهاست. خوشبختانه ما ده‌ها هزار اعضای هیئت علمی داریم. امروز دویست دانشگاه جامع در سرتاسر کشور هست، دو هزار دانشگاه و مرکز آموزش عالی در سطح کشور وجود دارد؛ اینها چیزهای کمی نیست. ما همه‌ی اینها را در شرایط تنگدستی انجام دادیم. همین تحریمی که حالا گفته میشود تشدید کردند یا رو به تشدید دائمی است، خوب، از اول وجود داشته. ما علاوه‌ی بر این، جنگ هم داشتیم؛ علاوه‌ی بر این، در دورانهای مختلفی کاهش قیمت‌های نفت داشتیم؛ مشکلات فراوان داخلی بر ما تحمیل کرده بودند؛ افزایش جمعیت را داشتیم - جمعیت ما اول انقلاب سی و پنج میلیون بود؛ جمعیت دو برابر شده - همه‌ی این مسائل بوده است؛ در عین حال ما بحمدالله این پیشرفت را پیدا کردیم.

بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۲/۰۳/۱۴

در باور به خود - اعتماد به نفس - امام به مردم ایران «ما میتوانیم» را تعلیم داد. امام قبل از آنکه «ما میتوانیم» را به مردم ایران تلقین کند و تعلیم دهد، «ما میتوانیم» را در وجود خود زنده کرد؛ اعتقاد خود را به توانائی شخصی خود، به معنای حقیقی کلمه، به مظهر بروز و ظهور رساند. در روز عاشورای سال ۲۴ امام در عین غربت، در میان طلاب و مردم قم در مدرسه‌ی فیضیه، محمدرضا شاه را که با اتکالی آمریکا و قدرتهای خارجی، به طور بی‌قید و شرط و بی‌مهاری بر کشور حکومت میکرد، تهدید کرد که اگر اینجور حرکت کنی، این راه را ادامه دهی، من به مردم ایران خواهم گفت تو را از ایران بیرون کنند! این را چه کسی میگوید؟ یک روحانی ساکن در قم، بدون سلاح، بدون تجهیزات، بدون پول، بدون پشتوانه‌ی بین‌المللی؛ فقط به اتکا ایمان به خدا و اعتماد به نفس، که میتواند در این میدان بایستد. آن روزی که امام از تبعید برگشت، در همین بهشت زهرا دولت بختیار را تهدید کرد و با صدای بلند گفت: من توی دهن دولت بختیار میزنم، من دولت تعیین میکنم، این، اعتماد به نفس بود. امام به خود و به نیروی خود و به توانائی‌های خود ایمان و باور داشت. همین باور به خود، در عمل امام، در گفتار امام، به ملت ایران منتقل شد. عزیزان من! صد سال به ما ملت ایران تلقین کرده بودند که شما نمیتوانید؛ نمیتوانید کشورتان را اداره کنید، نمیتوانید عزت به دست بیاورید، نمیتوانید ساخت‌وساز کنید، نمیتوانید در میدان علم حرکت کنید، نمیتوانید، نمیتوانید؛ ما هم باورمان شده بود.

یکی از ابزارهای موثر دشمنان برای تسلط بر ملتها، همین تلقین «نمیتوانید» است؛ که ملتها مایوس شوند، بگویند ما که نمیتوانیم کاری نکنیم. با این ترفند، صد سال ملت ایران در میدانهای سیاست، علم، اقتصاد و همه‌ی میدانهای زندگی عقب افتاد. امام مطلب را برگرداند، این ابزار تسلط ابرقدرتها را از دست آنها گرفت، به ملت ایران گفت «شما میتوانید»؛ شجاعت را به ما برگرداند، تصمیم و قاطعیت را به ما برگرداند، اعتماد به نفس را به ما برگرداند، ما ملت ایران احساس کردیم میتوانیم؛ حرکت کردیم، اقدام کردیم؛ لذا ملت ایران در همه‌ی میدانها - که حالا اشاره‌ی خواهم کرد - در این سی و چند سال پیروز شده است.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی / ۱۳۹۲/۰۹/۱۹

نگذارید دانشگاه جولانگاه حرکت‌های سیاسی بشود. اینکه ما جوان را به‌عنوان یک موتور محرک تحولات سیاسی بپذیریم، حرف من است. من یک‌وقتی این مطلب را گفتم، بعضی از همین آقایانی که حالا دم از دانشگاه میزنند، من را ملامت کردند که شما این جوانها را به هوس انداختید، به هیجان انداختید؛ نه، من اعتقاد دارم به این قضیه؛ نسل جوان در هر جامعه، موتور حرکت تحولات اجتماعی و تحولات سیاسی است؛ بخصوص جوان دانشجو؛ طبیعتش این است. این حرف دیگری

است؛ این غیر از این است که ما دانشگاه را محل جولان گرایشهای سیاسی‌ای که بعضی‌شان مخالف با اصل نظامند یا مخالف با جهت‌گیری‌های نظامند بکنیم. این را باید حتما مراقبت کنید و جلوی آن را بگیرید. در این زمینه من این جمله را هم عرض بکنم؛ یک «میتوانیم» ای را ملت ما گفته؛ نگذارید این «میتوانیم» تبدیل بشود به عکس آن. گفتند ما میتوانیم به قله‌های رفیع علمی برسیم؛ میتوانیم مرجع علمی جهان بشویم؛ میتوانیم خودمان را از حقارت علمی نجات بدهیم، که امروز نجات دادند و دشمنان ما، مخالفین ما دارند اعتراف میکنند که ایران به دانش دست یافته؛ نه فقط در زمینه هسته‌ای، در زمینه‌های دیگر هم همین را دارند میگویند و اعتراف میکنند. این «میتوانیم» را که در روح این جوانهای ما دارد جولان میکند، نگذارید از بین برود؛ شما هم بگویید میتوانیم و دنبال کنید این میتوانیم را. ما میتوانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار باشد از معنویت و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود؛ این کارها را میتوانیم انجام بدهیم، که به توفیق الهی هم [این کار را] میکنیم.

بیانات در دیدار کارگران در گروه صنعتی مینا / ۱۳۹۳/۰۲/۱۰

من مکرر گفته‌ام، ملت ما باید به جایی برسد که دانش‌پژوهان عالم، برای اینکه به قله‌های علم دست پیدا کنند، مجبور باشند زبان فارسی یاد بگیرند؛ این یک جایگاه تعریف‌شده است. ما ممکن است پنجاه سال دیگر به اینجا برسیم؛ باشد. اگر بخواهیم به این جایگاه تعریف‌شده دست پیدا بکنیم، راه آن این است که از دانش، از هوش، از قدرت تحرک بالا، از قدرت ابتکار و از عزم راسخ در همه‌ی بخشها استفاده کنیم و بهره بگیریم. باید اقتصاد را بالا آورد، و بالا آمدن اقتصاد بدون رشد فرهنگی، نه ممکن است، نه مفید؛ فرهنگ هم بایستی تعالی پیدا کند، ترقی پیدا کند. بنابراین شعار امسال، شعار زندگی ما است، شعار همیشگی ما است. خوشبختانه امروز در بخشهای مختلفی از جامعه‌ی فعال اقتصادی و صنعتی کشور از جمله در مجموعه‌ی «مینا» این را انسان مشاهده میکند. من البته گزارشهایی داشتم؛ امروز از نزدیک، برخی از آنچه در این گزارشها خوانده بودیم و دیده بودیم، مشاهده کردیم. این نشان میدهد که شعار مطرح‌شده‌ی به‌وسیله‌ی امام بزرگوار ما، یعنی شعار «ما میتوانیم» شعار واقعی است؛ صرفا شعار لفظی نیست؛ حقیقتا این‌جور است. کارهایی که برای کشور ما یک روز از نظر برخی از خواص و مدیران ما دست‌نیافتنی بود، امروز دارد به‌آسانی و با روانی در این مجموعه‌ی شما انجام میگردد.

بیانات در مراسم بیست و پنجمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۳/۰۲/۱۲

چالشهای درونی ما اینها است؛ سرگرم شدن به اختلافات در داخل کشور؛ اختلافات فرعی و اختلافات سطحی، ما را سرگرم بکنند، در مقابل هم قرار بدهد، تعارض به‌وجود بیاورد، ما را از مسائل اصلی و از خطوط اصلی غافل بکند؛ این یکی از مصادیق آن چالش اصلی است که عرض شد. از دست دادن انسجام ملت از چالشهای ما است. دچار شدن به تنبلی و بی‌روحیگی، دچار شدن به کم‌کاری، دچار شدن به یاس و ناامیدی، تصور اینکه ما نمیتوانیم، تصور اینکه تا حالا نتوانستیم؛ نخیر، همان‌طور که امام فرمودند ما میتوانیم، باید عزم داشته باشیم، عزم ملی و مدیریت جهادی میتواند همه‌ی این گره‌ها را باز کند. اینها همه، آن چالشهای درونی ما است که باید با اینها مقابله کنیم. همان‌طور که عرض کردیم جوانهای عزیز ما، نخبگان ما، فضلاء ما باید بنشینند این مسائل را بررسی کنند؛ اینها سرفصل‌هایی است. نام مبارک امام بزرگوارمان و یاد آن بزرگ‌مرد و نقشه‌ی آن معمار بزرگ میتواند ما را در همه‌ی این فصول یاری کند و به ما امید ببخشد و نشاط بدهد و روحیه بدهد؛ همچنان که تا امروز چنین بوده است و به توفیق الهی در آینده [هم] چنین خواهد بود.

بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۹۳/۰۴/۱۶

محاسبات جمهوری اسلامی از روز اول براساس منطق عقلانی بوده است؛ براساس یک قوه‌ی عاقله‌ای بوده است. عناصری که این محاسبات را شکل میداده اینها است؛ اول، اعتماد به خدا و سنن آفرینش؛ دوم، بی‌اعتمادی به دشمن و شناخت او. از جمله‌ی موارد اعتماد به خدا و سنن آفرینش، اعتماد به مردم است؛ اعتماد به ایمانها است؛ اعتماد به محبتها است؛ اعتماد به انگیزه‌های صادقانه است؛ اعتماد به صدق مردم است - که امام بزرگوار ما مظهر این اعتماد بود - اعتقاد به خودباوری و اینکه «ما میتوانیم»؛ تکیه به عمل و پرهیز از بیکارگی؛ اعتماد به نصرت الهی؛ تکیه به تکلیف و مجاهدت در راه تکلیف؛ اینها آن چیزهایی است که از روز اول تا امروز مجموعه‌ی عناصر قوه‌ی عقلانی نظام اسلامی را - که پایه و زیربنای حرکت او بود - شکل داده است.

بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت روز ملی مهندسی / ۱۳۹۳/۱۱/۰۶

کاری که شما باید بکنید این است که اولاً این مسئله‌ی «ما میتوانیم» - که خوشبختانه یک شعار مقبولی در نزد همه‌ی انسانهای منصف در این کشور است - را به مردم نشان بدهید؛ همین‌طوری که در نوشته‌ی ایشان هم ذکر شده. در بخشهای مختلف تلاش کنید که کارهای نکرده انجام بگیرید. حالا مثلا فرض بفرمایید در صادرات خدمات مهندسی ما بیشتر کارهای عمرانی را مشاهده میکنیم؛ شما کاری کنید که محصولات مهندسی کشور در مبادلات کشور حضور داشته باشند؛ یعنی واقعا بتوانیم ما محصول کارهای مهندسین خودمان در کارخانجات و در قطعه‌سازی و در بخشهای گوناگون وسیع مهندسی را در بازار مبادلات بین‌المللی جهانی عرضه کنیم؛ این کار مهمی است که این هم از عهده‌ی شماها بر می‌آید؛ یعنی شماها در این زمینه الان مسئولیت دارید، داخل دولت یا مجلس هستید و میتوانید تصمیم بگیرید.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاهها / ۱۳۹۳/۰۲/۱۲

امروز کشور به جوانهایی نیاز دارد که بتوانند بازوان پر قدرتی باشند برای پیشرفت کشور، سرشار از انگیزه‌ی ایمانی، بصیرت دینی، همت بلند، جرئت اقدام، اعتماد به نفس، اعتقاد به اینکه «ما میتوانیم»، امید به آینده، افقهای آینده را روشن و درخشان دیدن، روح استغنا - نه به معنای اعراض از فراگیری از بیگانگان، که این را ما هرگز توصیه نکرده‌ایم و نمیکنیم؛ حاضریم شاگردی کنیم پیش دیگران که از ما بیشتر بلدند - روحیه‌ی استغنا از تاثیرگذاری، تحمیل و سواستفاده‌ی از انتقال دانش که امروز در دنیای دانشمند که دنیای قدرت استکباری است این معنا رایج است - این روحیه‌ی استغنا باید در جوان وجود داشته باشد - روحیه‌ی فهم درست از موقعیت کشور که ما در کجا هستیم و کجا میخواهیم برسیم و چگونه میتوانیم این راه را طی کنیم - که در بیانات امروز این اساتید، نکات روشنی در این زمینه حقیقتا وجود داشت - فاطح بودن در برابر دست‌اندراری، تجاوز و خدشه‌دار کردن استقلال ملی؛ ما به جوانهایی با یک‌چنین روحیه‌هایی نیاز داریم. این روحیه‌ها را، این امتیازات را استاداها میتوانند در نسل جوان مشغول تحصیل و علم‌آموز کشور، القا کنند و تزریق کنند و به‌وجود بیاورند؛ استاد این است؛ البته با روش، با منش، نه با درس اخلاق.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۳/۰۲/۲۰

یک آرمان دیگر عبارت است از آرمان اعتماد به نفس؛ یعنی همین «ما میتوانیم» که در حرفهای شماها هم بود؛ این یک آرمان است. بایستی دنبال تفکر اعتماد به نفس ملی و اعتقاد به قدرت و توانایی ملی [بود] و به‌عنوان یک آرمان حتما باید تعقیب بشود. البته تعقیب آرمانها یک لوازمی دارد که باید به آن لوازم عمل بشود.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا» / ۱۳۹۳/۰۷/۲۲

این توانایی‌ها را، [این] «هر کاری میتوانید بکنید» را از انقلاب و نیز از تاملین‌کنندگان امنیت کشور بدانید. این شهید همدانی که چند روز قبل شهید شد، (۵) شما دیدید وقتی [بیکرش] رفت به همدان، همه‌ی شهر آمدند و تشییع جنازه‌اش کردند؛ این قدردانی است. اینها اسمی هم ندارند؛ یک تعدادی‌شان معروف میشوند و شناخته میشوند، اکثرشان معروفیتی هم ندارند اما اینها دارند امنیت را برای من و شما حفظ میکنند. اگر امنیت نباشد، دانشگاه نیست، تحقیق نیست، پژوهش

نیست، نخبه‌سازی نیست، آنجایی که امنیت نیست، در واقع هیچ‌چیز نیست؛ آنجا زندگی انسانها هم در خطر تهدید لحظه‌ای و دائمی است. این آمادگی‌ها را، این آموزشها را، این فرصتها را از این تأمین‌کنندگان امنیت هم بدانید.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۵/۰۱/۰۱

یکی از سنگرهای دشمن برای تسلط بر کشور ما، عبارت بود از تزریق بی‌اعتقادی به خود، بی‌اعتمادی به خود، نداشتن اعتمادبه‌نفس ملی؛ در مقابل چشمشان زرق‌وبرق کشورهای غربی را مشاهده میکردند، پیشرفتهای علمی و پیشرفتهای فناوری و زرق‌وبرق تمدنی مادی آنها را میدیدند و در [کشور] خودشان اینها نبود، در کشور این چیزها نبود، عقب‌ماندگی بود، لذا احساس بی‌اعتمادی به خود میکردند، احساس ناباوری به خود میکردند. آن روز در دوران پهلوی، یکی از ارکان دولت گفت که ایرانی باید برود لوله‌نگ بسازد! شماها نمیدانید لوله‌نگ چیست؛ لوله‌نگ آفتابه‌ی گلی [است]، آن هم نه آفتابه‌ی از جنس فلز. آن قدیم قدیم معمول بود که از جنس گل آفتابه درست میکردند. میگفت ایرانی لیاقتش همین است که برود لوله‌نگ بسازد؛ ایرانی را چه به اختراعات! آن روز این‌جوری میگفتند. یک نفر دیگر از برجستان آن دوران میگفت که ایرانی اگر بخواهد پیش برود، بایستی از فرق سر تا پا بشود غربی و اروپایی؛ باید همه‌چیز خودش را شبیه آنها بکند، شاید بتواند جلو برود؛ یعنی به خودشان باور نداشتند. خوب، انقلاب آمد این ناباوری را بکلی تبدیل کرد به باور به خود، اعتمادبه‌نفس ملی؛ امروز جوان ایرانی میگوید ما میتوانیم. در بسیاری از موارد در پیشرفتهای علمی - غیر از آنچه حالا امروز بحمدالله در دسترس قرار گرفته است و پیشرفتهایی که تحقق پیدا کرده است - جوانهای ما گاهی اوقات یک فکرای نویی را مطرح میکنند که دستگاه‌های مسئول توانایی ندارند اینها را جمع‌وجور کنند؛ جوان ایرانی اعتمادبه‌نفس دارد. وقتی باور به خود نبود، پیشرفت هم نیست؛ وقتی باور به خود بود، شعار «ما میتوانیم» بود، توانایی هم می‌آید؛ کشور میشود توانا، ملت میشود توانا. امروز ما این را داریم مشاهده میکنیم.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۵/۰۱/۰۱

پنج‌ه‌ سال در این کشور در دوران طاغوت، قبل از انقلاب، دانشگاه وجود داشت؛ در این دانشگاه، هم اساتید متعهد و خوبی بودند، هم دانشجویان بااستعدادی بودند -حالا- تعداد نسبت به امروز کم بود؛ از لحاظ نسبی خیلی کمتر از امروز [بود] لکن همانهایی که بودند، به‌هرحال جوانهای ایرانی بودند دیگر، جوانهای بااستعداد بودند- [ولی] یک حرکت علمی، یک پدیده‌ی نو علمی در تمام طول این پنج‌ه‌ سال در ایران وجود ندارد. چرا؟ چون باور نمیکردند که بتوانند، اطمینان نداشتند به خودشان؛ این بی‌اطمینانی را تزریق کرده بودند در اذهان ملت. امروز، ما هر روزی در کشور یک نوآوری داریم؛ نوآوری علمی، نوآوری فناوری. دشمنان ما وقتی می‌بینند این نوآوری‌ها را، عصبانی میشوند. امروز کشور ما با وجود تحریم در رشته‌های متعددی از دانشهای پیشرفته، جزو ده کشور اول دنیا است. حالا آنچه جلوی چشم مردم است، ابزارهای نظامی و همین وسایل جنگی‌ای است که شما ملاحظه میکنید در اختیار سپاه و ارتش و دیگران هست. پیشرفتهایی که اینها در زمینه‌های گوناگون کرده‌اند، در زمینه نانو و در همین زمینه هست‌های، به‌خاطر باور به خود است. یکی از سنگرهای دشمن در ایران، ناباوری ملت به خود بود، و یکی از سنگرهای بزرگ پیروزی ملت و جوانان ملت، باور به خود و روحیه «ما میتوانیم» است. این هم یکی از سنگرهای دشمن بود.

بیانات در دیدار کارگران / ۱۳۹۵/۰۲/۰۸

عزیزان من! کشور میتواند پیش برود. اینکه من بارها میگویم تمدن اسلامی و بارها میگویم ایران میتواند قلعه‌ی تمدن اسلامی قرار بگیرد، شعار و رجزخوانی نیست، این نگاه به واقعیت‌های کشور است. ما میتوانیم؛ ما میتوانیم اقتصادمان را پیشرفت بدهیم، صنعتان را پیشرفت بدهیم، کشاورزی‌مان را پیشرفت بدهیم و خودکفایی را در آنجایی که خودکفایی لازم است به وجود بیاوریم؛ مسئولین باید تلاش کنند. همان‌طور که اول گفتم، هرکس مسئول است حق آن مسئولیت را ادا کند و تلاش لازم را انجام بدهد.

بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان / ۱۳۹۵/۰۷/۲۸

چرا ما برای جوان، برای علم، برای نخبه، برای استعداد برتر، این‌همه اهمیت میدهم، از دیدنشان خوشحال میشویم، برایشان صرف‌وقت میکنیم -واقعا هم صرف‌وقت میکنیم، این را هم شما بدانید- و صرف همت و مانند اینها میکنیم؟ چرا؟ برای خاطر اینکه ما یک سابقه‌ی تلخی داریم؛ در یک دوران طولانی، زن ناتوانی، زن نمیتوانیم، زن وابستگی به دیگران را در ما تزریق کردند؛ در یک دوران طولانی، از دوران قاجار تا دوران پهلوی، در ملت ما -همین ملت بااستعداد- این احساس درونی عدم توانایی و عدم قدرت، ایجاد شد؛ و [آن را] در ما -در مجموعه‌ی جامعه‌ی ایرانی- نهادینه کردند؛ این سابقه را ما داریم. نتیجه این شد که ما به عنوان یک ملت، هویتمان در ذیل غرب تعریف شد. خیلی حرف -حرف تاریخی و حرف اجتماعی و حرفهای تحلیلی- در این زمینه‌ها هست که نه وقتش اینجا و حالا است، نه الان برای آن دور هم جمع شده‌ایم. غربی‌ها، اروپایی‌ها، به خاطر علمی که زودتر از دیگران به آن دست پیدا کردند و خودشان را بالا کشیدند، یک‌چنین نگاهی به ملت‌های دیگر پیدا کردند، از جمله به ملت ما؛ ملت‌هایی با این فرهنگ‌های عریق و عمیق و سابقه‌های درخشان را آنچنان تحقیر کردند که آنها را در ذیل خودشان تعریف کردند.

دیدار نوروزی فرماندهان ارشد نیروهای مسلح با فرمانده کل قوا / ۱۳۹۶/۰۱/۲۰

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، «تقویت روحیه‌ی نیروهای مسلح» را وظیفه‌ی دیگر فرماندهان ارشد خواندند و با اشاره به برنامه‌ی دشمن برای «تضعیف روحیه‌ی مسئولان، مردم و نیروهای مسلح»، افزودند: دشمن تلاش می‌کند با استفاده از تاکتیک‌های جنگ روانی، در مسئولان ضعف و تزلزل ایجاد، و احساس «نمی‌شود و نمی‌توانیم» را در آنها القا کند.

بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۶/۰۲/۱۲

امام یک جذابیت‌های شخصی داشت، یک جذابیتی در شعارهای امام وجود داشت؛ این جذابیتها آنقدر قوی بود که توانست فشرهای مختلف مردم و از جوانها را وارد میدان کند.

ازجمله‌ی مبنای مطرح‌شده‌ی به‌وسیله‌ی امام و شعارهای امام بزرگوار، مسئله‌ی مردم‌سالاری بود؛ یعنی اختیار حاکمیت کشور در دست مردم باشد؛ مردم انتخاب کنند، مردم بخواهند، مردم اراده کنند؛ در همه‌ی عرصه‌های زندگی. یکی از شعارهای امام مسئله‌ی خودباوری ملت بود؛ یعنی اینکه به مردم میگفت و تکرار میکرد که شما میتوانید، شما قادرید؛ در علم، در صنعت، در کارهای اساسی، در اداره‌ی کشور، در مدیریت بخشهای مهم کشور، در اقتصاد و غیره، شما قادر هستید خودتان روی پای خودتان بایستید. اینها جذابیت‌های شخصیت امام بود که توانست جوانها را جذب کند. و جوانها آمدند به نهضت امام بزرگوار پیوستند، انقلاب به پیروزی رسید.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۷/۰۱/۰۱

در باب ارزشهای اصلی انقلاب و شعارهای انقلاب و اصول بنیادین انقلاب، آنچه من میتوانم عرض بکنم این است که انقلاب، امتحان خوبی در این زمینه پس داده است؛ یعنی ملت ایران توانسته است اصول بنیادین را و شعارهای اصلی انقلاب را به همان استحکام اول، تا امروز حفظ کند. شعارها و ارزشهای اصلی اینها است:

استقلال، آزادی، مردم‌سالاری، اعتماد به نفس ملی و خودباوری ملی، عدالت، و برتر و بالاتر از همه‌ی اینها تحقق و پیاده شدن احکام دین و شریعت در کشور؛ این شعارها با همان طراوت اول حفظ شده است.

...

ارزش و اصل دیگر، اعتماد به نفس ملی و خودباوری ملت ایران است یعنی ملت، در مقابل دیگران احساس انفعال و سرافکندگی نداشته باشد؛ یعنی روحیه‌ی «ما میتوانیم»؛ این امروز بحمدالله در کشور وجود دارد. البته عرض کردم، شرح اینها و آمارهای مربوط به اینها طولانی است و اینها را در جلسه‌ی دیگری عرض خواهم کرد. امروز بحمدالله ملت ما و جوانان ما روی پای خودشان می‌ایستند و احساس استقلال و خودباوری میکنند.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۷/۰۱/۰۱

به نظر من مهم‌ترین چالش کشور ما یک چالش ذهنی است، یعنی همین‌که افکار عمومی نمیدانند چقدر ثروت در اختیار کشور هست؛ بعضی از مسئولین ما هم متأسفانه نمیدانند چقدر ثروت -ثروت انسانی و ثروت طبیعی- در اختیار کشور هست؛ دشمن هم از همین دارد استفاده میکند. دشمن میخواهد بگوید که شما نمیتوانید یا ندارید؛ بنده اصرار دارم به مردم بگویم که ما میتوانیم و ما دارا هستیم و امکاناتمان فراوان است. مسئولین ما باید به قدرت جوانان و به توانایی جوانان ایمان بیاورند و اهمیت بدهند؛ جوانان ما هم باید از کار خسته نشوند، از ابتکار خسته نشوند، از بعضی از قدرشناسی‌ها دلسرد نشوند. بعضی جوانها به ما شکایت میکنند که «ما این کار را کردیم یا میتوانستیم بکنیم یا میتوانیم بکنیم؛ [اما] به ما اعتنائی نمیشود»؛ خیلی خب، دلسرد نباید بشوند؛ باید دنبال کنند کار را، ابتکار را؛ مسئول هم وظیفه دارد، خود جوان هم وظیفه دارد؛

گزیده‌ای از بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت / ۱۳۹۷/۰۴/۲۲

در مواجهه‌ی با مشکل، دو جور آدم داریم: یک جور آدم هست که وقتی با مشکل مواجه میشود احساس مسئولیت مضاعف پیدا میکند، جوشش غیرت پیدا میکند. وقتی میبیند مشکل پیش آمد انگیزه‌ی او مضاعف میشود، احساس مسئولیتش مضاعف میشود، احساس میکند تحرک بیشتری باید انجام بدهد، وارد میدان بشود. یک جور آدم هم هست که وقتی با مشکل مواجه شد دچار یاس و ترس و منفی‌بافی و "نمیشود" و "نمیتوانیم" و "چکار کنیم" و این چیزها میشود. مدیران دولتی باید از نوع اول باشند یعنی وقتی با مشکل مواجه میشوند این روحیه در آنها وجود داشته باشد؛ روحیه برخورد، روحیه "میتوانیم"، روحیه "حتما اقدام میکنیم"

بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران / ۱۳۹۷/۱۱/۲۳

به رغم همه‌ی این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزبه‌روز گامهای بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفتهای چهل‌ساله‌ی ملت ایران آنگاه بدرستی دیده میشود که این مدت، با مدتهای مشابه در انقلابهای بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. مدیریتهای جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم» که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید. انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما میتوانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکا به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشا برکات بزرگ شد

